

ارزش کار خانگی زنان

نسرین جزینی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

شده است اما در سنین ۲۰ سالگی به بعد، زنان خانه دار بزرگترین گروه زنان غیر فعال را تشکیل می دهند^(۴).

در سال ۱۳۸۰، درصد زنان شاغل به ۹/۴۸ درصد بیکاران به ۲/۲۱ افزایش یافته است. از طرفی، درصد زنان خانه دار به ۵۷/۴۴ رسیده است. در این سال، آمار بیانگر ۸۸/۳۱ درصد جمعیت غیر فعال و ۱۱/۶۹ درصد جمعیت فعال برای زنان است. در حالی که این ارقام برای مردان به ترتیب ۳۸/۱۸ درصد و ۶۱/۸۲ درصد می باشد^(۵). آمار و ارقام مبین سهم پائین زنان در فعالیت های اقتصادی، نسبت به مردان است و تنها فعالیت های ۱۱/۶۹ درصد زنان جامعه در GDP قابل ذکر است.

آنچه به اختصار به آن اشاره شد، جایگاه زنان در فعالیت های اقتصادی از نظر آمار و ارقام بود. اما آیا زنان این چنین نقش کم رنگی را در چرخه اقتصادی ایفا می کنند؟ آیا در چرخه تولید، توزیع و مصرف، تنها در حلقه مصرف می توان برای زنان جایگاهی قابل ذکر قائل شد؟ آیا زنان جامعه که بخش اعظم آنان را زنان خانه دار تشکیل می دهند، هیچ نوع ارزش

که به طور عمدی در جهت حذف بخش مهمی از نیروی کار بالقوه عمل نموده باشیم.

در محاسبات آماری برای تخمین ارقام مربوط به GDP، در بخش مربوط به زنان، این قشر به دو گروه فعال و غیر فعال تقسیم می شود. بخش فعال شامل جمعیت شاغل و بیکار (وجوبای کار) و بخش غیر فعال شامل زنان خانه دار، محصلین، افراد دارای درآمد بدون کار و سایرین می باشند. در سال ۱۳۵۷ از جمعیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور، ۷/۹ درصد شاغل، ۱/۲ درصد بیکار (وجوبای کار) و ۲۶/۶ درصد محصل، ۵۸/۴ درصد خانه دار و ۱/۶ درصد دارای درآمد بدون کار بوده اند^(۳).

نکته قابل توجه در این ارقام سهم بالای زنان خانه دار در توزیع نسبی جمعیت زنان بر حسب وضع فعالیت است. زنان خانه دار در سال ۱۳۵۷، ۵۸/۴ درصد از کل زنان ۱۰ ساله و بالاتر و ۶۵ درصد از زنان غیر فعال کل کشور را تشکیل داده اند^(۳).

مطالعه ترکیب جمعیت زنان غیر فعال بر حسب سن در کل کشور حاکی از آن است که در سنین ۱۹-۱۰ سالگی، اشتغال به تحصیل عمده ترین عامل عدم فعالیت زنان محسوب

یکی از شاخص های توسعه یافتگی، افزایش درآمد سرانه است که خود نتیجه توسعه اقتصادی و درعین حال عامل تقویت آن نیز می باشد. رشد و توسعه در بخش های مختلف اقتصادی زمانی حاصل می گردد که نیروی انسانی به عنوان عامل زایش و انجام کار، بر اساس برنامه های دقیق و اهداف روشن کار کند. بنابراین، عامل کار کردن، زیر بنای توسعه اقتصادی معرفی می گردد.

درآمد سرانه به عنوان شاخص مهم توسعه اقتصادی که خود در قالب تولید ناخالص داخلی GDP^(۱) دیده می شود، عملاً و به طور اصولی در گرو فعالیت زیاد توأم با کارایی و اثر بخشی در تمام بخش ها و سطوح اقتصادی است و دستیابی به کارایی و اثر بخشی بالا در بازار کار کشور، ریشه در عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد.

باتوجه به آنکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند، عدم بهره گیری از نیروی کار بالقوه آنان که به صورتی مزمن و خطرناک خود را نشان می دهد، مانند آن است

به سازمان ملل متحد باتشکیل جلسه ای با حضور اقتصاد دانان برجسته، به تحلیل موقعیت و جایگاه زنان در اقتصاد پرداخت^(۷). نتیجه این اجلاس دو سال بعد در مجله « زنان و اقتصاد جهان »^(۸) منتشر شد. در این جمع بندی تأکید بر ارتقای جایگاه زنان در اقتصاد و بارز کردن اهمیت نقش ملموس زنان در شاخص ها و نماگرهایی که تعیین کننده رفاه و قابلیت های تولید یک

* این مقاله، بر اساس پژوهشی تحت همین عنوان توسط مجری و با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی و مرکز امور مشارکت زنان تهیه شده است. کشور است

بیش از پیش توصیه شده است. در سال ۱۹۹۳، Instraw، برنامه بلند مدتی را به منظور توسعه روش های مناسب برای جمع آوری و پیمایش داده ها و اطلاعات آغاز نمود تا بدین وسیله بر ارزش های پرداخت شده و پرداخت نشده کار زنان تصریح و اطمینان حاصل شود که تمامی آنها در محاسبات ملی آورده می شوند.

اولین نتیجه این برنامه بلند مدت در سال ۱۹۹۵ در رساله ای با عنوان « ارزیابی و ارزش گذاری مشارکت رایگان^(۹) : حسابداری طریق زمان و بازده » بر اساس نتایج پژوهش اولیه ای که در کشورهای متعددی انجام گردید (کانادا، جمهوری دومینکن، مجارستان، نپال، تانزانیا و نروژ) منتشر شد. در این رساله چارچوبی برای طبقه بندی فعالیت ها توصیه شده بود. بر مبنای آن، یک « حساب تابع برای تولیدات زنان خانه دار » می توانست شکل بگیرد. هدف اساسی و اولیه این طرح دستیابی به توافق و درک جمعی در مورد روش ها و چارچوب های اندازه گیری و ارزیابی کارهای بدون مزد و تأثیرات آنها روی نماگرها و شاخص های اقتصادی بوده است.

نتایج و دستاوردهای این گزارش، افزون بر شناسایی، اندازه گیری و ارزش گذاری مشکلات، توصیه هایی برای کمک

زن خانه دار اغلب به عنوان مدیر اقتصادی خانواده شناخته می شود که یکی از ارکان اساسی و تعیین کننده مصرف در چرخه امور اقتصادی است. درهزارة جدید نیاز به تغییر نگرش پیرامون مسئله زنان خانه دار در سراسر دنیا به عنوان اصلی مسلم و پذیرفته شده است، اما مهم این است که چگونه می توان آن را از یک تفکر

لوکس و جالب به یک تفکر قابل اجرا تبدیل نمود. پرسش مهمی که مطرح می شود این است که چه شاخص هایی را برای ملاک گذاری انواع کارهای غیر قابل سنجشی که توسط زنان

باتوجه به آنکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند، عدم بهره گیری از نیروی کار بالقوه آنان که به صورتی مزمن و خطرناک خود را نشان می دهد، مانند آن است که به طور عمدی در جهت حذف بخش مهمی از نیروی کار بالقوه عمل نموده باشیم.

خانه دار انجام می شود باید تدوین و طراحی نمود؟

به کارگیری شاخصی به نام (Genuine Progress Indicator) یکی از اقدامات علمی و گامی مهم در این زمینه است. این شاخص بیش از ۲۰ نوع واحد و معیار جدید را در خود گنجانیده که پیش از این در GDP نادیده انگاشته شده بود. برای مثال، GPI ارزش کارخانه توسط زنان خانه دار را برابر با میزان هزینه ای می داند که برای استخدام فردی به منظور انجام همان کارها صورت گرفته است.

در سال ۱۹۸۳ مؤسسه Instraw وابسته

چنانچه بتوان کار خانگی زنان را وارد محاسبات اقتصادی نمود و آن را وارد حساب های ملی کرد، نتیجه ای شگفت انگیز به دست خواهد آمد.

افزوده ای در قلمرو فعالیت های خود ایجاد نمی کند؟ بنابر تعریف ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، خانه دار عبارت است از فردی که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل به حساب نمی آید و بنابر اظهار پاسخگو، در هفت روز پیش از مراجعه مامور آمار گیری، به خانه داری مشغول بوده است.

به کارگیری واژه غیر فعال برای زنان خانه دار حائلی است بین این گروه و نظام اقتصادی- اجتماعی، به گونه ای که زنان خانه دار ضمن احساس خلأ در درون خود، از حیث تأثیر گذاری در امور اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و نقشی برای خود نمی بینند. به نظر می رسد هنگام آن رسیده که جامعه، برنامه ریزان و سیاستگذاران دیدگاه های خود را نسبت به این امر تغییر می دهند. زن خانه دار با نقش های متفاوت و متنوعی که ایفا می کند از جنبه های مختلف بر فرآیند های اجتماعی و اقتصادی تأثیر گذار است.

زنان خانه دار ارائه و تأمین کننده نیاز های اساسی نیروی کار فعال جامعه برای انجام امور اقتصادی هستند. اهمیت تأثیرات روحی، روانی و فرهنگی ای که زنان خانه دار بر روی فرزندان به عنوان مادر، مربی، رفیق و همراه دارند، گرچه درجایی ثبت نمی شود اما برکسی پوشیده نیست. نسل آتی که سازندگی جامعه را برعهده دارد آئینه ای تمام نما از سلامت روحی و روانی مادران و یا زنان خانه دار و اعتماد به نفس آنان است که به نوبه خود به طور مستقیم مسیر آتی جامعه، بهره وری و موفقیت آن را تضمین خواهد نمود.

بنابر یک تحقیق انجام شده، در سال ۱۳۷۳ ارزش افزوده طبخ غذا به عنوان یک فعالیت رایج خانه داری، ۱۵ هزار میلیارد ریال و معادل سهم نفت در تولید خالص ملی بوده است^(۶).

جامعه نه تنها احساس خوشایندی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود نخواهد داشت، بلکه به نوعی سرخوردگی و بی انگیزشی در ایفای نقش چندگانه مهم خود دچار می شوند؛ زیرا آنها نمی توانند به طور ملموس هیچ جایگاهی در صحنه های اقتصادی و اجتماعی برای خود قائل شوند. نتیجه آن رکود، سکون و سکوت معترضانه ای است که گریبانگیر زنان خانه دار می شود. پیامدها و آثار مخرب آن نیز به دلیل نقش چندگانه کلیدی و مهمی که زنان خانه دار ایفا می کنند به طور یقین تا نسل هایی چند در جامعه آشکار و ماندگار خواهد بود.

پانویس ها:

- 1-Gross domestic Product (GDP)
- ۲- ویژگی های اجتماعی - اقتصادی زنان در ایران ۱۳۶۵، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مرکز آمار ایران.
- ۳- همان.
- ۴- همان.
- ۵- آمار گیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری خانوار، بهمن ۸۰، مرکز آمار ایران.
- ۶- روزنامه همشهری. همشهری تهران، دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۸۰.
- 7-www.Un-Instraw.org/docs/valuation-of-household-Production.pdf
- 8-Women and the world Economy 1985 and valuation of unpaid contribution
- 9-Measurement
- 10-Equity theory
- 11-Estimating the value of household Work
- 12-Oil Hawrylyshn
- 13-www.Statcan/English/sdds/۱۲۰۷.htm
- 14-Individual-Function-Cost (FC)
- 15-Household Opportunity- Cost (HOC)
- ۱۶- زنان و صرفه جویی، مجموعه مقالات، اندازه گیری ارزش افزوده فعالیت های زنان خانه دار در منزل، دکتر تقی ترابی، مرکز امور مشارکت زنان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹.
- ۱۷- آمارگیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری خانوار، بهمن ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران
- ۱۸- همان

مأخذ: برگرفته از فصلنامه ریحانه. شماره ۱ سال اول. بهار ۱۳۸۲

روش هزینه فرصت (HOC) مستلزم محاسبه کل زمان صرف شده از یک سو و هزینه فرصت (دستمزد) فعالیت های انجام نشده در زمان های صرف شده بابت کار خانگی، از سوی دیگر می باشد. علاوه بر روش های به کار برده شده در تحقیق فوق، روش های دیگری نیز برای محاسبه ارزش فعالیت زنان خانه دار وجود دارد که از آنها می توان به روش «برآورد ارزش ستانده» اشاره کرد. در این روش محاسبه ارزش فعالیت های خانوار با استفاده از مبانی نظری تولید خانوار صورت می گیرد و سپس بعد از کسر هزینه های واسطه، ارزش افزوده ایجاد شده توسط خانوار به دست خواهد آمد^(۱۶). نکته قابل ذکر این است که منظور از کارخانگی فقط فعالیت های صورت گرفته توسط زنان خانه دار نیست. بسیاری از زنان شاغل در فعالیت های اقتصادی پس از اتمام کار بیرون از منزل، به امور منزل می پردازند و به عبارتی علاوه بر کار اقتصادی که در GNP محاسبه می گردد کار خانگی نیز انجام می دهند که تنها بخش اول فعالیت های آنان در محاسبات اقتصادی منظور می گردد. چنانچه بتوان کار خانگی زنان را وارد محاسبات اقتصادی نمود و آن را وارد حساب های ملی کرد، نتیجه ای شگفت انگیز به دست خواهد آمد. واقعیتی آشکارا نشان دهنده این است که میزان ساعات فعالیت های زنان به مراتب بیش از مردان است زیرا همان طور که می دانیم بسیاری از زنان علاوه بر سهیم برابر در تلاش های اقتصاد بیرون از منزل، به امور مربوط به خانه داری نیز می پردازند که در نتیجه سهم اندک ۱/۶۹ درصدی آنان^(۱۷) افزایش یافته و چه بسا بیش از سهم ۶۱/۸۲ درصدی جمعیت فعال مردان گردد.^(۱۸) قدر مسلم این است که باید در جهت ایجاد طراوت، عشق و انگیزه در بخش مهمی از جامعه تلاش نمود. شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین راهکارها دخیل نمودن آنان در امور اقتصادی و القای حس مفید و مؤثر بودن به آنان است؛ چرا که در غیر این صورت این بخش از

به رسیدن به هدف مورد نظر را در بر می گیرد. گام اساسی در کم کردن فعالیت های زنان خانه دار و ارزش گذاری خدمات مربوط، شناسایی و تفکیک اموری است که به طور روزمره توسط آنان انجام می پذیرد. بدین منظور تخمین و برآورد و شناسایی اموری چون خانه داری، حمل و نقل، تغذیه، شستشو، نگهداری از کودکان، نقش واسطه ای در مصرف، زمان انجام کار و... ضروری است.

نکته قابل توجه این است که فعالیت ها، کارها و خدماتی را که توسط زنان خانه دار در منزل انجام می گردد، می توان از سوی مراکز و مؤسساتی که مشابه این خدمات را ارائه می کنند در یافت کرد و در ازای آن به آنها دستمزد پرداخت نمود. این واقعیت مؤید این مطلب است که مجانی شمردن فعالیت های روزمره صورت گرفته توسط زنان تا چه حد غیر منطقی، ناصحیح و دور از نظریه انصاف^(۱۰) است.

از جمله پژوهش ها و اقدامات انجام شده در زمینه محاسبه ارزش کار زنان خانه دار در منزل تحقیقی است به نام «برآورد ارزش کار خانگی»^(۱۱) که در سال ۱۹۷۱ توسط اوپل هاوریلشن^(۱۲) در کشور کانادا صورت گرفته است.^(۱۳) در سال ۱۹۸۱ نیز وی با بهره گیری از روش پژوهش مذکور برآورد دیگری صورت داد که در آن تعداد ۲۰۷ نفر از زنان خانه دار به طور داوطلبانه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برآورد ارزش کار زنان خانه دار در کانادا (۱۹۸۱) بر دو رویکرد کلی تکیه داشت که به عنوان روشهای تحقیق مزبور معرفی شدند: ۱- روش هزینه عملکرد فردی^(۱۴)، ۲- روش هزینه فرصت^(۱۵)، روش هزینه عملکرد فردی (LFC). هریک از فعالیت های خانگی زنان خانه دار را با توجه به قیمت بازار ارزشیابی می کند. این روش نیازمند کسب اطلاعات دقیق پیرامون بها و ارزش هریک از فعالیت ها (از قبیل آشپزی و شستشو و نگهداری کودکان و...) در بازار و تعیین دستمزد به ازای هریک از خدمات فوق بود.